



برای ایران رجمشپادشاهسرخوانانمشرو

padeshahi1339@hotmail.com

A.O.P.R. For Iran, Postfach 740163, 60570 Frankfurt, Germany



پهلوی

یک نام

یک صدا

اگر می‌خواهیم انقلاب به بار بنشیند

در لحظه‌ای تاریخی که ملت ایران در آن ایستاده است، هیچ خطری برای آینده انقلاب ملی ما بزرگتر از تفرقه نیست. تجربه‌های تلخ گذشته نشان داده‌اند که دشمنان آزادی و سربلندی ایران، همواره از شکاف‌ها و اختلافات داخلی به‌عنوان کارآمدترین ابزار برای درهم شکستن حرکت‌های مردمی بهره برده‌اند. اگر می‌خواهیم این انقلاب به پیروزی برسد، نخستین وظیفه ما پرهیز آگاهانه از تفرقه و پاسداری از همبستگی ملی است. انقلابی که امروز در جریان است، تنها زمانی به بار می‌نشیند که نیروهای آن از مسیر اصلی منحرف نشوند. پرداختن به حاشیه‌ها، درگیر شدن با مسائل فرعی، و واکنش‌های احساسی به تحریکات دشمن، می‌تواند انرژی جمعی ما را تحلیل برده و حرکت ملی را از هدف اصلی دور کند.

برای پیشگیری از این انحراف، ضروری است که رهنمودهای مبارزاتی شاهزاده رضا پهلوی به‌عنوان چراغ راه و معیار تشخیص مسیر درست مورد توجه قرار گیرد. این رهنمودها برای بسیاری از فعالان، نقشه راهی است که می‌تواند انسجام، جهت‌گیری و تمرکز را حفظ کند.

یکی از تاکتیک‌های شناخته‌شده دشمن، تزییق امیدهای واهی و ایجاد تصور پایان‌یافتن جنبش است؛ تلاشی برای آنکه مردم، پس از ناکامی‌های ساختگی، از نظر روانی درهم بشکنند.

در برابر این ترفند، تنها یک سپر کارآمد وجود دارد:

اتکا به همبستگی ملی، بهره‌گیری از تجربه‌های تاریخی، و پایبندی به رهنمودهایی که مسیر مبارزه را روشن نگاه می‌دارند.

پیروزی هر انقلاب ملی، زمانی ممکن می‌شود که همه اقشار جامعه - از کارگران و معلمان تا دانشجویان، زنان، بازنشستگان، قوما و اقلیت‌ها - در کنار یکدیگر بایستند و خواسته‌های به‌حق یکدیگر را پشتیبانی کنند.

این همبستگی، نه یک شعار، بلکه شرط بقا و پیروزی حرکت ملی است. هر مطالبه‌ای که از دل رنج مردم برمی‌خیزد، بخشی از پیکره واحد مبارزه برای آزادی است و باید با احترام و حمایت همراه شود.

اگر می‌خواهیم انقلاب ملی ما به ثمر برسد، باید چهار اصل را همواره در نظر داشته باشیم:

پرهیز از تفرقه، حفظ تمرکز، تکیه بر همبستگی ملی و بکارگیری عملی رهنمودهای مبارزاتی رهبر انقلاب ملی ایرانیان.

این چهار اصل، ستون‌هایی هستند که می‌توانند حرکت امروز ملت ایران را از دام‌های دشمن عبور دهند و آن را به پیروزی برسانند.

جنبش ملی ایرانیان، با تکیه بر هویت تاریخی کشور، پرچم سهرنگ شیر و خورشید، و خواست بازگشت به یک ساختار ملی و مردمی، امروز در حال گسترش است. این جنبش زمانی به بلوغ و قدرت نهایی خود می‌رسد که طبقه کارگر نه فقط همراه، بلکه شریک راهبردی آن باشد.

رهبری شاهزاده رضا پهلوی نماد یک مسیر ملی، سکولار، مدرن و مبتنی بر وحدت اقشار مختلف جامعه است. از این منظر، پیوند میان کارگران و این جنبش، نه یک انتخاب تاکتیکی، بلکه ضرورتی تاریخی است. پیروزی نهایی تنها زمانی ممکن است که طبقه کارگر ایران، با تمام توان و ظرفیت تاریخی خود، در کنار جنبش ملی ایرانیان بایستد.

این اتحاد ملی است که می‌تواند ساختار فرسوده موجود را کنار بزند و راه را برای نظامی نو، ملی و مردمی بگشاید.

حرکت زیر پرچم سهرنگ شیر و خورشید و با محوریت رهبری شاهزاده رضا پهلوی، آن سازه‌ای است که می‌تواند برآوردن همبستگی ملی را دارد؛ چارچوبی که در آن همه اقشار، از کارگران تا دانشجویان، از زنان تا بازاریان، از فرهنگیان تا صنعتگران، در کنار هم برای آینده‌ای آزاد و آباد برخاسته، مبارزه و تلاش می‌کنند.

همبستگی، کلید پیروزی و طبقه کارگر، قلب تپنده این همبستگی است.

نقش تعیین کننده طبقه کارگر در پیوند با جنبش ملی ایرانیان

انقلاب‌ها هرگز با شکوه و صلابت نهایی‌شان آغاز نمی‌شوند. نخستین گام‌ها معمولاً لرزان، پراکنده و آمیخته با تردیدند؛ اما تاریخ نشان داده است که همین گام‌های کوچک، هنگامی که با پیوستن جویبارهایی از اقشار مختلف جامعه همراه می‌شوند، به رودخانه‌ای خروشان بدل می‌گردند. این رودخانه، در لحظه بلوغ تاریخی خود، می‌تواند ساختارهای فرسوده را درهم بشکند و "طرحی نو در اندازد". در این میان، جامعه کارگری ایران جایگاهی بی‌بدیل دارد. جمعیتی



میان ۱۲ تا ۱۵ میلیون نفر، که با احتساب خانواده‌هایشان، نیمی از جمعیت کشور را دربر می‌گیرند. آنان ستون فقرات تولید، توزیع، خدمات و زیرساخت‌های حیاتی کشورند؛ نیرویی که اگر یکپارچه و آگاهانه به حرکت درآید، بنا به گفته کهن‌سالان، "دیگر خدا هم جلودارشان نخواهد بود".

کارگران ایران تنها نیرویی اقتصادی نیستند؛ آنان حافظان خاموش میهن‌اند. در سال‌های جنگ هشت‌ساله، هنگامی که کشور زیر آتش دشمن بود، این کارگران بودند که با کار بی‌وقفه، چرخ‌های صنعت و تولید را زنده نگاه داشتند و پشتوانه مقاومت ملی شدند. این تجربه تاریخی نشان می‌دهد که هرگاه سرنوشت ایران در خطر بوده، طبقه کارگر در صف نخست ایستاده است.

امروز نیز کشور در بزنگاهی سرنوشت‌ساز قرار دارد. جنبش نوپای ملی ایرانیان، که خواهان بازپس‌گیری سرنوشت کشور از چنگال نیروهای سرکوبگر و اهریمنی است، نیازمند پیوندی عمیق با بزرگترین و فعال‌ترین قشر جامعه است: کارگران. چرا طبقه کارگر نقشی تعیین‌کننده دارد؟

زیرا در همه بخش‌های حیاتی کشور حضور دارند: نفت، گاز، پتروشیمی، حمل‌ونقل، ساختمان، صنعت، خدمات و ...

زیرا اعتصاب و نافرمانی مدنی آنان می‌تواند شریان‌های اقتصادی حکومت را از کار ببندازد.

زیرا گستردگی جمعیتی آنان، هر حرکتشان را به نیرویی ملی تبدیل می‌کند.

زیرا تجربه تاریخی‌شان در مقاومت و همبستگی، آنان را به ستون اصلی هر تحول بزرگ بدل می‌سازد.

از کارگران صنعت نفت و گاز تا تاراندگان، از صنعتگران تا پیشه‌وران دورم‌گرد و دست‌فروشان، همه بخشی از یک پیکره‌اند؛ پیکره‌ای که اگر به پا خیزد، بی‌تردید می‌تواند سرنوشت کشور را دگرگون کند.

برقرار باد سامانه شاهنشاهی ایران! در بازپخش این فراخوان بکوشید!

هر آنچه که در این فراخوان چاپ می‌شود، دیدگاه‌های شخصی نویسندگان و یا گردانندگان آن است و ابداً هیچ مسئولیتی متوجه شه‌ریار میهن، شاهزاده رضا پهلوی و دیگر جریان‌های سیاسی هوادار سامانه پادشاهی نیست!